

بازتاب سیره و فرهنگ رضوی در شعر دفاع مقدس

*دکتر محمدرضا یوسفی

**زهرا منتظرپناه

چکیده:

شعر دفاع مقدس، ماهیتاً با شعر آیینی بخصوص سیره و فرهنگ اهل بیت عجین است. امام رضا(ع) به عنوان تنها امامی که در ایران مدفون است طبیعتاً رفتار سیاسی، برخوردش با حکام جور و غاصب عباسی، معاشرتش با توده مردم و تاثیرگذاری عمیقش بر مردم ایران، الگوی عملی برای همه ایرانیان به ویژه رزمندگان دفاع مقدس است. از مضامین نسبتاً عامی همچون حرم، گنبد و گلدسته، ضریح، زیارت، توسل، سبز و دخیل گرفته تا مفاهیم خاصی مثل کبوتران حرم، ضامن آهو، غربت، مشهد حتی صرف نام رضا و جواد، همه و همه کافیسست تا نه تنها ذهن بلکه دل هر عاشق ایرانی اهل بیت را به سوی خراسان و خورشید این سرزمین امام رضا(ع) سوق بدهد. شاعران معاصر عموماً و شاعران دفاع مقدس خصوصاً این واژه‌ها را دستمایه ساخت مضامین خود قرار داده‌اند به گونه‌ای که درون‌مایه بخش زیادی از اشعار مقاومت را فرهنگ رضوی تشکیل می‌دهد. در این نوشتار به بررسی این مضامین پرداخته می‌شود.

کلیدواژگان: امام رضا، فرهنگ رضوی، شعر دفاع مقدس، ادبیات معاصر، شعر آیینی

پیشینه‌ی پژوهش :

هیچ پژوهش مستقلی درباره‌ی «بررسی پیوند فرهنگ رضوی و دفاع مقدس در ادبیات منظوم و منثور معاصر ایران» انجام نشده است؛ اما برخی پژوهشگران در بخش‌های مجزا و جداگانه و گاه به صورت جزئی به این مؤلفه پرداخته‌اند. از جمله پایان‌نامه‌ای با عنوان «شعر رضوی در کلام شاعران پس از انقلاب اسلامی» (کاظمی، ۱۳۹۲) که در آن بعد از اشاره به ویژگی‌های شعر انقلاب اسلامی، آن دسته از اشعار رضوی را که توسط شاعران آیینی و برجسته‌ی پس از انقلاب سروده شده، از جهات مختلف از جمله: زبانی (در قالب عناوین و القاب) مفهومی: (در قالب بررسی ویژگی‌های شخصیتی امام رضا علیه السلام) و بلاغی: (در قالب صورخیال) و سایر موارد بررسی کرده است.

پایان‌نامه‌ی دیگر با عنوان «بررسی آیین جوانمردی در ادبیات دفاع مقدس» (شهابی پوراحمدی، ۱۳۸۵) که در آن پس از بیان ادبیات دفاع مقدس، هریک از مضامین آیین جوانمردی در ادبیات دفاع مقدس بیان شده است. مضامینی چون: تواضع و فروتنی، صبر، شجاعت، گذشت و ایثار، هجرت برای پایداری دین و ... که به صورت جزئی به هریک اشاره نموده است. هریک از آن‌ها جزئی از شخصیت ائمه علیهم السلام و از جمله امام رضا (ع) است که الگوی رزمندگان اسلام، هم در زندگی و هم در میدان رزم بوده است.

امیری خراسانی و آخشن (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس» ضمن تحلیلی مختصر از شعر دفاع مقدس، معنای مفهوم اسوه و اسوه‌های مذهبی، به توصیف برخی از اسوه‌های مذهبی از آغاز تاریخ تا آخرین امام پرداخته‌اند. نگارندگان از امام رضا (ع) هم به عنوان یکی از اسوه‌های مذهبی و مؤلفه‌های شعر آیینی در شعر دفاع مقدس یاد کرده‌اند.

در مقاله‌ی حاضر سعی شده است تا مؤلفه‌های شعر رضوی در شعر دفاع مقدس با نگاهی به پژوهش‌های علمی پژوهندگان و آثار شاعران، به صورت جزئی و کامل بیان شود.

روش تحقیق :

این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. به این ترتیب که در آغاز، شعر دفاع مقدس، پیوند آن با شعر آیینی و امام رضا (ع) در شعر دفاع مقدس، مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به تحلیل فرهنگ رضوی و جلوه‌های آن در شعر دفاع مقدس پرداخته شده است.

۱ - مقدمه :

با نفوذ و گسترش اسلام در سرزمین ایران، نشانه‌های اظهار ارادت شاعران و ادیبان نسبت به پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی بزرگوار شیعه (ع) در تاریخ ادبیات این سرزمین شکل می‌گیرد و کم‌کم راه تکامل را طی می‌کند که نگاه‌ی گذرا به دواوین و آثار گذشتگان، این موضوع را تأیید می‌کند. در این میان حضور شخصیت والای امام رضا (ع)، غربت، شهادت

و تدفین ایشان در شهر طوس، آثارگران سنگ و مؤثری در فرهنگ و ادب این کشور به جای گذاشت؛ به گونه‌ای که شعرا، نویسندگان و هنرمندان در دوره‌های مختلف بآفرینش آثاری بدیع و تأثیرگذار، عشق و دل‌بستگی خود را نسبت به آن امام همام ابراز داشتند. این سیر ارادت در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کمال رسید. گرچه شعر فارسی در گذشته در خدمت دربار بوده است، اما وجود جریان‌های ملی، مذهبی، سیاسی و نظامی باعث شد تا برخی شاعران آن‌ها را به رشته‌ی نظم در آورند که نمونه‌هایی از آن در شعر شعری چون فردوسی، ناصر خسرو و... دیده می‌شود. در قرن‌های هفتم و هشتم با تحول نظام جامعه، صبغه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر پررنگ تر می‌گردد و موضوع‌اتی چون انتقاد از دستگاه سلاطین، اوضاع زمانه، مذمت شیخ، محتسب و شحه دیده می‌شود. می‌توان حافظ را سرآمد این شاعران دانست. وجود اشعار تند و انتقادآمیز به تناسب حکومت وقت در دوره‌های بعد نیز دیده می‌شود. این ابیات از صائب به خوبی گویای دوران سخت برای مردم و نهایت ظلم ستمکاران است:

«می‌توان پوشید چشم از هرچه می‌آید به چشم آن‌چه نتوان چشم از او پوشید بیداری بود»

(صائب، ۱۳۶۶: ۱۲۸۹)

«ز خونگرم‌ان درین محفل نمی‌یابیم دلسوزی مگر خونابه‌ی اشک از کباب ما خبر گیرد»

(همان: ۱۴۴۷)

در دوره‌ی صدارت امیرکبیر برخی از آزادی‌های سیاسی و حقوق سیاسی-اجتماعی به مردم داده شد. به همین جهت «به موازات حضور مردم در صحنه‌ی سیاست و اجتماع، در عرصه‌ی ادب نیز مضامین و اندیشه‌های تازه‌ای به وجود می‌آید که بیش تر از تحولات و دستاوردهای نهضت مشروطه الهام می‌گرفت». (عظیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۵) با وجود این می‌توان گفت همراه شدن شاعران با انقلاب مشروطه باعث شد تا مضامینی چون: آزادی و ستایش آن، قانون، وطن، مبارزه با استبداد، میهن‌پرستی، دفاع از حقوق مردم و... وارد حیطه‌ی شعر فارسی شود.

۲- شعر دفاع مقدس:

پیروزی انقلاب اسلامی موجب گردید تا ادبیات در زمینه‌های مختلف متحول شود و اندیشه‌هایی آگاه‌کننده به ظهور برسند. فاصله‌ی زمانی کم بین پیروزی انقلاب اسلامی و شروع دفاع مقدس، یکی از دلایلی است که باعث شده تا پیوندی جدایی‌ناپذیر میان ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس باشد. به بیانی دیگر، خمیرمایه‌ی شعر دفاع مقدس از ادبیات انقلاب اسلامی گرفته شده و جزیی از کل است؛ چون «هرگاه بخواهیم ردپای تاریخ، حادثه‌ها، ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب را در قلمرو شعر مشاهده کنیم، باید به شعر انقلاب اسلامی مراجعه کنیم» (سنگری، ۱۳۸۷: ۱۷) و هم این که «میان ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس، نوعی رابطه‌ی عام و خاص مطلق وجود دارد». (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴) به تعبیر اهل ادب «شعر دفاع مقدس، شعری است که از هر دو منظر صورت و معنا دارای تازگی است و تازگی ساختمان خود را از جریان نوگرایی پدید آمده در شعر فارسی تحت عنوان شعر آزاد یا شعر نو دارد. علاوه بر آن، حوزه‌ی واژگانی این شعر که بافت زبان را می‌سازد، تجربه‌های جدید و کلمات تازه‌ای را به خدمت گرفته است». (کافی، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

زیرا عناصری واقعی مانند رشادت های رزمندگان در جنگ ، حضور جوان ترین و پیر ترین رزمنده در جبهه، هدایت و رهبری، دفاع از میهن و ناموس و انقلاب نوپا ی اسلامی و ... سبب شد تا شاعران ، آن چه را دیده یا شنیده اند، بدون کاستن به مخاطب عرضه دارند. در شعر انقلاب و دفاع مقدّس، دو عنصر مهمّ تعهّد و پیام، نقش بنیادینی را ایفا می کنند که به گسترش فرهنگ دفاع مقدّس و منش اسلامی آن منجر می گردد. این امر در شعار جدّی شعری شعرای دفاع مقدّس که «ریشه در سنت، تنفّس در زمان حال و نگاه به آینده» است، دیده می شود. (راکعی، ۱۳۸۷: ۱۸)

افزون براین به اعتقاد زکی مبارک « شاعری جز بر دو اساس استوار نتواند بود : حبّ فراوان و بغض فراوان» (آیینه وند، ۱۳۵۹: ۱۳۰) این دو نکته در شعر شعرای دفاع مقدّس به وضوح دیده می شود. خشم و قهر آنان متوجّه اربابان قدرت و مستکبران و محبّت و دوستی آن ها متوجّه ائمّه ی هدی، حقّانیت مبارزه با ظلم در جنگ و رزمندگان اسلام است؛ زیرا پشتوانه ی آنان، ایمان به اسلام و داشتن فرهنگ شیعی است و از آن جا که شاعر با تفکر عمیق و گزینش واژگان خاصّ خود بیان کننده ی توانمندی قلمش است، «با اثرش رسالت شاعری را که بیدار کردن و انداز و هشدار است ، به انجام می رساند.» (ترنج، ۱۳۷۳: ۸۸)

۳ - شعر آیینی

شعر، پدیده ای عاطفی است و انسان با این پدیده ، احساسات و عواطف خود را به شیوه ای تأثیرگذار و هنری عرضه می کند. حال اگر این احساسات و عواطف در مسیر صحیح و الهی به کار گرفته شود، می تواند سبب رشد و شکوفایی و بالندگی انسان گردد و او را به کمال و تعالی برساند. با آغاز رسالت جهانی پیامبر (ص) نه تنها شعر مورد غفلت و بی مهری قرار نگرفت، بلکه تعالیم آن حضرت و هدایت ها و راهنمایی های ایشان، آن را در مسیر صحیح قرار داد . به همین خاطر بود که ایشان شعری را که در مسیر اهداف و ارزش های انسانی قرار داشت را این گونه معرفی می کرد: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحُكْمٍ وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» (ر.ک: امینی، ج ۲، ۱۴۱۶ه.ق: ۲۶) ارزش سخن شعرا تا جایی است که از آن به ع نوان وسیله ای برای تبلیغ دین استفاده کرده، آن را مورد قبول قرآن و حدیث دانسته اند. «دعوت روحی و یاری دین که به وسیله ی شعرا انجام می گرفت و از تأیید قرآن و حدیث هم برخوردار بود ، در زمان ائمّه ی طاهرين نیز چون زمان رسول خدا برقرار بود و مردم و مجتمع آن روز از شعرای اهل بیت، قلوبشان مسخّر می شد.» (همان، ج ۳، ۱۱۸) همچنین اهمّیت دادن خاندان وحی بشعر و شاعران، نشان دهنده ی تأثیر کلام آنان بر مردم، سبب گسترش دین الهی و بیان اهداف عالی دین اسلام است و صحت این سخن از این حدیث مشخص می شود: «وصیّت امام باقر (ع) به امام صادق (ع) [است] که از مال من فلان مقدار وقف کن برای نوحه سرایان که تا ده سال در «مینی» موقعی که حاجیان جمع اند، بر من نوحه سرایی کنند.» (آیینه وند، ۱۳۵۹: ۱۱۹)

تاریخ گواه بر این است که پیوند عمیقی بین شعر و مذهب در ایران وجود داشته که با گذر زمان، بر سیر این شور و ارادت افزوده شده است . در ادبیات ایران، مفاهیم و مضامین دینی و جلوه های موزون و گونه گونی وجود دارد که الهام بخش این اشعار، قرآن کریم، احادیث نبوی و روایات خاندان وحی است. به عبارت دیگر «شعر آیینی در سرزمین ما همواره حرکتی رو به جلو داشته و در جهت درک و بیان جلوه های تازه و نمود زاویه های جدیدی از دین و معارف الهی گام برداشته است.» (جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۱۴)

بررسی سیر تاریخی شعر آیینی در ایران نشان می‌دهد که حکومت‌های وقت در شکل‌گیری، رشد و یا رکود این نوع شعر، تأثیرگذار بوده‌اند. تا دوره‌ی صفویه، بسامد زیادی از شعر آیینی دیده نمی‌شود و به عقیده‌ی مورخان علت اصلی این امر، اختلاف شدید مذهبی در قرن پنجم و ششم در سراسر ایران بوده است که گاهی با درگیری‌ها و خونریزی‌های مغرضانه همراه بوده است. البته تا پیش از دوره‌ی صفویه، رگه‌های کم‌رنگی از شعر آیینی از نوع نعت رسول اکرم (ص) و مدح علی (ع) را شاهدیم؛ اما روی کار آمدن صفویان و بقیه به مذهب شیعه، باعث شکوفایی ادبیات آیینی و اقبال یافتن شاعران دلباخته‌ی خاندان نبوت شد. این درحالی است که در دوره‌ی افشاریه به واسطه‌ی مذهب نادر، شعر آیینی رو به افول می‌گراید؛ ولی در دوره‌ی زندیه، دوباره اوج می‌گیرد و در زمان مشروطه پایگاه مردمی می‌یابد تا این که با پیروزی انقلاب اسلامی، برگ‌های زرینی در کارنامه‌ی پربار این شعر ثبت می‌شود. (ر.ک: کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۸)

۴- پیوند شعر آیینی و شعر دفاع مقدس:

از آن جا که دفاع مقدس در بطن خود هویتی الهی -آرمانی دارد و به نوعی هم حافظ و هم آموزاننده‌ی جهان‌بینی الهی است، مربیان این جهان‌بینی رزمندگان این سرزمین بودند که فطرت پاک انسانی را برای حفظ گوهر انسانیّت، بیدار کردند. در میدان ایثار، صاحبان قلم هم حضور داشتند و این تفکر و بینش را با مفاهیم ایثار، شجاعت، شهادت، طلبی، خداخواهی، اقتدا به ائمه‌ی اطهار را به خوبی تصویر کردند و جریان دفاع مقدس را به دور از خشونت و بی‌رحمی جنگ، نمایان ساختند. کسانی که به وادی تصویرسازی فضای جبهه با الگوگیری از اسوه‌های مذهبی گام نهاده‌اند، پرورش یافته‌ی مکتبی هستند که خطی انقلابی، اصلاح طلب و دشمن ستیز دارد:

«شاعری / حنجره‌اش را در باد تکان می‌دهد / و کلمات اوج می‌گیرند / تا از دست تو دانه برچینند / تازه می‌فهمم / کبوتر بودن چه نعمتی است» (طاهریان، ۱۳۸۳: ۴۸ - ۴۹)

در امت اسلامی دو خط رفتاری دیده می‌شود؛ یک خط رسالت که خطی انقلابی و اصلاح طلب است و دوم خط کسانی که همگام با فساد و تسلیم رهبری‌های منحرف در طول تاریخ بوده‌اند. هر گروه در این دو خط، منطق فکری خاص خود را داشته و پیروی می‌کرده‌اند که می‌توان این دو خط را خط مکتبی و خط ضد مکتبی دانست. منطق خط مکتبی، انقلاب و مبارزه است و منطق خط ضد مکتبی، به تسلیم و شکست و قبول واقعیت موجود فرامی‌خواند. (ر.ک: مدرسی، ۱۳۷۲: ۱۹) بنابراین کسانی که در خط مبارزه با سلاح و در خط مبارزه با قلم و بیان حقایق قرار داشتند، تربیت یافته‌ی فرهنگ شیعی - آرمانی بودند. نتیجه این که ادبیات شکل گرفته از دفاع مقدس، هم الگو پذیر بوده است و هم الگو پرداز. الگوپذیر بوده است از خاندان نبوت که چراغ هدایت و مظهر مبارزه با ستم هستند و هریک به گونه‌ای توسط ظالم زمان، به شهادت رسیده‌اند که از جمله‌ی آنان، امام هشتم سلطان این سرزمین دلاورپرور است. او به غربت فراخوانده شد و در غربت به شهادت رسید. شهیدان دور از وطن نیز به مولای غریب خویش اقتدا کردند. نیز، الگوپرداز بوده است برای نسل‌های آینده؛ زیرا رشادت و شهادت دلاوران میهن باعث سعادت و سربلندی کشور شد و به آن‌ها آموخت تا حامی میهن و راهرو شهدا و رزمندگان باشند.

۵- امام رضا (ع) در شعر دفاع مقدس:

پس از شهادت امام حسین (ع)، جنبش مکتبی شکل گرفته تا آن زمان به جنبش مردمی تبدیل شد. این جنبش در زمان امام رضا (ع) مصادف با دوره‌ی جوانی آن امام است. شخصیت امام رضا (ع) به گونه‌ای بود که توده‌های مردم به سوی او جذب می‌شدند و این پایگاه امام تهدیدی برای مأمون محسوب می‌شد. به همین علت، سعی مأمون بر جدا کردن امام از این موضع بود و به دلیل شناخت امام و سیره‌ی پاک ائمه‌ی اطهار، خواست با پذیرش مقام ولیعهدی، وانمود کند رهبر مبارزه و پیشوای جنبش مکتبی با پذیرفتن ولایتعهدی، قصد رسیدن به حکومت دارد ولی موقعیت، او را یاری نمی‌کند؛ اما امام که به این اندیشه آگاه بود، پای به صحنه‌ی سیاسی می‌گذارد و امت را از آن فضای سیاسی متزلزل و آسیب دیده نجات می‌دهد. وارد شدن ایشان به صحنه زمانی بود که امت اسلامی، همزمان با ترجمه‌ی کتاب‌های غربی و شرقی آکرده از شرک و کفر و تسلیم گرایی در برابر حکومت و نیز در بحبوحه‌ی انتشار اندیشه‌های الحادی به سر می‌برد و این چنین بود که امام به ایفای نقش مکتبی خویش پرداخت. (ر.ک: همان: ۲۷۸)

انقلاب اسلامی هم در زمینه‌ی سیاست و هم در زمینه‌ی فرهنگ، تحولات زیادی را به وجود آورد. دفاع مقدس که جزیی از پیکره‌ی انقلاب اسلامی است، باعث شد تا گروهی با جنبش مکتبی انقلاب همراه شوند و آموزه‌های علمی و عملی ائمه را الگوی خود قرار دهند و نیز گروهی بودند که پیروی از خط ضد مکتبی کردند و هم صدا با ناقه‌ی شیطان گشتند. غفلت‌ستیزی، دعوت به بیداری، حضور مذهب و نمادهای آن، نکوهش ریاکاران و صاحبان قدرت، انتظار موعود و ... درون‌مایه‌هایی بود که از مکتب الهی ائمه گرفته شد و در شعر دفاع مقدس خود را نشان داد. همان گونه که پذیرش ولایتعهدی توسط امام رضا (ع) باعث تحولات سیاسی در دستگاه مأمون عباسی شد، انقلاب اسلامی نیز در دوره‌ی معاصر به عنوان بزرگ‌ترین رخداد تاریخ قلمداد شد که از جهت سیاسی-اجتماعی و فرهنگی، تأثیری ژرف در جهان به وجود آورد. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مفهوم ولایت و گسترش آن و دیگر آموزه‌های دینی و ولایی سبب شد تا عقاید آرمانی-دینی به هم پیوند خورند:

«باید امروز قلم برداریم / و به پیشانی شب / بنویسیم: سحر در راه است / باید از چشمه‌ی نور / قلم حافظه را پر بکنیم / روی دیوار غروب / یادگاری بنویسیم: طلوعی دیگر! / باید امروز به دوست / «جرعه‌ای عشق» / تعارف بکنیم / باید امروز صمیمی باشیم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۵)

«جرعه‌ای عشق» همان ولایت است که باید از چشمه‌ی نور هدایت نوشید و آن را به دیگران نیز نوشاند. این مهم به خوبی و به وضوح در شعر دفاع مقدس دیده می‌شود. الگوهایی که از بزرگان دین گرفته شده است و نمودهای آن در فضا و مکان جبهه به روشنی در شعر دفاع مقدس به چشم می‌خورد:

«رزم‌آوران حق / جهتی دیرین دارند / لهر گلوله / پیوند می‌خورند / با اهل بدر» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۴۰)

و این «جهتی دیرین» همان خط هدایت الهی ائمه است که رزمندگان اسلام طی کنندگان آن طریق بودند.

امام رضا (ع) با ورودش به نیشابور در بین مردم مشتاق به اهل بیت، در حدیثی کلمه‌ی «لا اله الا الله» را در محکمی دانست که هر کس واردش شود، از عذاب الهی ایمن است و پذیرش ولایت خود را یکی از شروط داخل شدن به این حصن دانست:

«عن الرضا من آبائه عن رسول الله قال: سمعت الله عز وجل يقول: لا اله الا الله حصني، فمن دخل حصني امن من عذابي . قال فلما مرت الراحله نادانا بشروطها وانا من شروطها»

« شنید از قلم و او ز علم ربّانی که این حدیث موثق رسید از ماور
که قلعه‌ای است ز حق لا اله الا الله حصین و زفت و مشید بدیع و خوش منظر
هر آن که قائل این قول گشت و داخل شد در این حصار بود ایمن از عذاب و خطر...
... ولی متمم این مطلب است شرطی چند که از شرایط او یک منم چو سگه به زر
اگر ولایت من را نشد کسی دارا درخت بندگیش آورد هر آن چه ثمر»
(احمدی بیرجندی و نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۱۸۵)

به اعتقاد شاعر حدیث سلسله الذهب مانند موجی بود که نیشابوریان را در خود غرق کرد و از آن زمان است که ایرانیان با این موج آشنا و در آن شناور هستند:

«از نسابور با موجی از «لا» گذشتی ای که امواج طوفان تو را می‌شناسند»
(امین پور، ۱۳۶۳: ۸۶)

«این مادر که بود که می خندید؟/ وقتی که لحظه لحظه‌ی رفتن بود / آن سبز، با سخاوت خورشید / بخشید هر چه داشت / جز آن لباس سبز سپاهی را / و نقش آن کلام الهی را / نقش کلام «لا» / ره توشه‌ی شهید همین بس: / یک جامه، یک کلام / تصویری از امام» (همان: ۳۲)

«او را چنان که خواست / با آن لباس سبز بکارید / با آن لباس «لا» / غسل و کفن ندارد این سبز سرخ ما / او را چنان که خواست / با آن لباس سبز بکارید / تا چون همیشه سبز بماند / تا چون همیشه سبز بخواند.»

(همان: ۳۲-۳۳)

در اشعار مذکور، شاعر شهدا را حامل نقش کلام «لا» می‌داند که بر لباس سبز آن‌ها حک شده و آن بهترین ره توشه‌ی رفتن به میدان رزم برای آنان است؛ زیرا با تمسک به ریسمان ولایت و اقتدا به مولایشان، وارد دژ محکم «لا اله الا الله» شده‌اند که نه تنها به واسطه‌ی داخل شدن در این حصن از عذاب الهی مصون‌اند، بلکه وقتی با آن لباس سبز «لا» در زمین کفشته شوند، تا همیشه سبز و جاودان خواهند بود. اعتقاد قلبی همه‌ی رزمندگان بر این بود که سایه‌ی انوار ولایت در فضای جبهه گسترده شده و همین امر موجب گردیده است تا با جان و دل، پذیرای تیر بالای دشمن باشند و تا زمانی که دافع بلا در سرزمین ولایت‌مدار ایران است، اگر جهان پر از بلا و سختی شود، غمی بر ملت و کشور ایران نیست:

«ای نور تو بر جبهه حق پرتو افکن در پشت جبهه درگهت مأوا و مأمن

آنان که خون ره به دیو و دد گرفتند در شهادت از قم و مشهد گرفتند
 آغوش بگشادند هر تیر بلا را تا متصل سازند طوس و کربلا را»
 (یوسفی و عشقی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷)

«اگر زمانه شود پر خطر بلا خیزد برای کشور ما دافع بلا اینجاست»
 (احمدی بیرجندی و نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۳)

همان گونه که خورشید هشتم دعای باران را در حقّ نیشابوریان کرد و به برکت آن دعا ، سرچشمه‌ی رحمت ایزدی
 باریدن گرفت، در شرحی غربت جبهه‌نیز بودند کسانی که با دست التماس ، دعای باران شهادت خواندند و دخیل بر
 قبه‌ی امام سپاه باران بستند:

«هوای شرحی‌ترین نفس‌ها بلوغ ابری‌ترین جرس‌ها به دست بی‌تاب التماس دعای باران گرفتم»
 (جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۴۳)

«توای امام سپاه باران! سخاوت چشمه‌های جوشان دخیل بر حضرت تو بستم شکوه توفان گرفتم»
 (همان)

شهادت در راه حق ، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سنتّ شریعت الهی دانسته شده است و ملت ایران این فرهنگ را از
 شهادت امام رضا(ع) به یادگار دارد:

«در ره عشق حق شهید شدن بهترین سنتّ شریعت اوست
 کشته‌ی عشق را خدا دیت است وین اشارت بهین اشارت اوست»

(احمدی بیرجندی و نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۵۷)

و برای شهدا باعث افتخار است که در غربت جان دهند و به امام غریبشان اقتدا کنند:

«ز تربت شهدا بوی سیب می‌آید ز طوس بوی رضای غریب می‌آید»
 (قدس میرحیدری، ج ۱، ۱۳۷۹: ۷۴۹)

«پریده مرغ دلم گه به سوی کربلا گهی به سوی رضای رضاست بسم‌الله»
 (همان)

۵ - جلوه‌های رضوی در شعر دفاع مقدّس:

گذشته از جلوه‌های عام سیره و فرهنگ رضوی در شعر فارسی، جلوه‌های خاصی نیز از زندگی، سلوک، اخلاق و رفتار امام رضا(ع) در شعر دفاع مقدس پژواک دارد که پیوند این نوع ادبیات را با اهل بیت، عموماً و امام ثامن ضامن، خصوصاً برجسته‌تر می‌سازد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۵-۱- ضامن آهو:

بمنظر شاعر، زائر امام در حرم ش باید دعا بخواند و با زیور دعا، از مولایش بخ واهد که در درگاه الهی ضامن او شود. چون ایمان دارد ام‌امی که ضامن آهو و وحش بیابان شد و باعث آزادی او گردید، برای زائرش نیز شفیع و پناه می‌شود. او را از لطف خود مأیوس نمی‌کند و رضایت پروردگار را می‌گیرد چون ضامن غریبان دل‌خسته است:

«ای آشنای ضامن آهو دعا بخوان زیرا دعا به مرز اجابت رسیدنی است»

(جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

«آن که باشد ضامن آهو به نزد خاص و عام می‌کند امیدوار از لطف خود مأیوس را»

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۰۶)

«شاه رئوف و ضامن آهو رضا تویی ما را پناه محض رضای خدا بده»

(حسینی قمی، ۱۳۸۱: ۸۷)

«یک جلوه‌ی مهربانی‌ات ما را بس ای ضامن آهو دل‌خسته‌ی ما»

(جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

در عرصه‌ی دفاع مقدس نیز رزمندگان، ملتمس ضامن آهو هستند و از او که سرانگشتش حکم شفا و اعجاز حق است، می‌خواهند تا آنان را در غربت جبهه یاریگر باشد؛ چون حقانیت مبارزه‌ی خود را تا جایی می‌دانند که مسیر ظهور حق و عدالت را در جبهه می‌بینند:

«عیسی دم‌اهورایی! آهونواز دشت غریبی‌ها

آقا! شفا حکم سرانگشتت، اعجاز حق، مسیر ظهور اینجاست» (همان: ۱۹۳)

سراینده‌ی دیگر، بیان‌کننده‌ی شکایت‌نامه‌ی رزمندگان به پیشگاه امام ضامن از دشمن و جنایات اوست. آهوان رزمنده‌ای که پیکرشان، خلیده‌ی زخم دشمن است:

«بنگر که چشم آهوانت را/ در پرده‌های خون فرو کردند» (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۵۹۹)

۵-۲- ضریح:

زائر حرم رضوی دلش را به ضریح امام که تنها پناهگاه اوست، گره می‌زند تا سویدای دلش تا همیشه به روشنای حقیقت پیوند خورد و امام مشکل‌گشا گره از مشکلش باز کند؛ چون آن را پناهگاه امن برای دل‌های خسته می‌داند:

«ای آستان قدس تو تنها پناه من
بر خاک باد پیش تو روی سیاه من
می‌آید از درون ضریح شمیم عشق
پیچیده در فضای حرم دود و آه من»
(شاهرخی، کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۸۲)

«آقا بگیر دست دلم را
از پشت آن ضریح طلایی»
(طاهریان، ۱۳۸۳: ۳۶)

«اگر کنار ضریح تو جان پناه نباشد
دل رمیده‌ی ما در کجا پناه بگریزد؟»
(عطایی خراسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۷)

«گل‌مهره‌های ضریح / دل‌های بیرون‌تپیده ما / تبلور فلزّی ایمان است / چنان گسترده‌ای / که جز از حلقه ضریح /
نمی‌توان دید / تو را باید تقسیم کرد / آنگاه به تماشا نشست / خاک تو گستره همه کائنات / و پولاد ضریح / قفسی
است / که ما / یارایی خود را / در آن به دام انداخته‌ایم» (طاهریان، ۱۳۸۳: ۵۳)

شاعر در این شعر، پولاد ضریح مولا را قفسی می‌داند که مرغ معنویت رزمندگان و یارایی و نیروی آنان در آن گرفتار شده است که هیچ‌گاه نمی‌خواهد از آن برهد و براین اسارت می‌بالد.

«دل مرا به ضریح شما گره زده‌اند
به آن همیشگی روشنا گره زده‌اند»

(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۷۶۲)

در این بیت، رزمندگان دل و روح خود را گره خورده به ضریح امام خویش می‌دانند؛ زیرا آن، منبع نوری لایزالی و همیشه روشن و متصل به نور خداوند است.

۵-۳- کبوتر حرم:

در شعر دفاع مقدّس، هم نوعی انسان‌شناختی عرفانی و هم فضای عرفانی دیده می‌شود. تعبیر کبوتر حرم بی‌اختیار ذهن را به جانب مشهد و حرم امام رضا (ع) سوق می‌دهد. شاعر دفاع مقدّس، رزمندگان حاضر در جبهه را کبوتران حرم می‌داند که عروج‌گاه آنان جبهه بود. ایشان از وادی عرفان و سخنگوی کلام خاموش شهدا هستند:

«مهران طلوع کربلای جنگ بود
برج کبوترهای رنگارنگ بود»

(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۶۹۴)

«کبوتران افق با ستاره همسفرند و رای وادی عرفان ز عالم دگرند»

(همان: ۵۹۶)

«چه دوست می داشتی آخرین کبوتری را / که می گذشت از فراز یال های اشیا / از فراز یال های رود / و به کلام می نشاندی آوازهای خفته را» (همان: ۵۹۳)

شاعر، امنیتی را که کبوتران حرم امام رضا (ع) در ایوان طلا و بام سقّاخانه دارند، دستمایه ی ساخت مضمون شعری قرار داده حتی سایه ی حوض طلای حرم امام را برای کبوتران حرم، پناهگاه می داند:

«پاش گندم و بگذار این کبوتر چاهی به زیر سایه ی حوض طلا پناه بگیرد»

(عطایی خراسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۷)

از نگاه شاعر دفاع مقدّس کبوتران حرم مولا آن قدر مورد احترامند که رزمندگان حاضر در جبهه را دلتنگ آن ها و آرزومند دعا کردن کنار پنجره ی فولاد می داند و سعی می کند از راه دور، دلش را به آن حرم پیوند نهد:

«دلم برای کبوترها دلم برای دعا تنگست دلم برای شبی دیگر کنار پنجره ها تنگست»

(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۶۴۲)

به نظر شاعر، رزمندگان کبوترانی هستند که با شنیدن صدای اذان به نماز می ایستند و دو دست آنان در قنوت، بال و پری است که ایشان را به حرم مولا می برد و به او که شفیع امت در روز حشر است، سلام می فرستند و درس صبر و ثبات را از کبوتران حرم آن نور پاک می گیرند:

«کبوتری به اذان برخاست قنوت من پر پروازست

سلام بر تو که می خوانی صحیفه های شفاعت را» (همان: ۳۵۳)

«ما ز خیل کبوتران حرم درس صبر و ثبات می گیریم»

(همان: ۶۵۹)

«و دل / کاروانی ست از یک کبوتر / که در پی / تمام خودش را / بمصد اشتیاق رسیدن / به پرواز خوانده»

(همان: ۹۵۲)

مضمون سازی با کبوتر در شعر دفاع مقدّس طیف وسیع از درون مایه ها را به خود اختصاص داده است . آنچه از این تصاویر شعری پیوند با حرم و ضریح و آینه دارد ، مسلّماً تداعی کننده ی سیره و فرهنگ رضوی است . شاعر کبوتران دل های رزمندگان را کاروانی می داند که از راه دور در پی رسیدن به مولایشان اند تا خویش را فدای او کنند و یا ارواح

شهیدان را همچون کبوتران بارگاه امام می داند که روحشان به سمت آبی مشرق می رود تا برآستان آن حضرت، پرواز کند:

«کبوتران حرم را به آسمان بردند بر آستان حرم روح پاک را دیدم»

(همان: ۸۷۰)

«و شاعرانه تر از شبنم ز کوچه باغ شقایق رفت

شکست بغض پرستوها ولی کبوتر عاشق رفت

شی که عشق پریشان شد ضریح آینه لرزان شد

کبوترانه صدایم زد به سمت آبی مشرق رفت»

(انصاری نژاد، ۱۳۸۵: ۷)

۵-۴- گلدسته:

گنبد و گلدسته از ویژگی های معماری مآبای ایرانی است و از یادگارهای آیین مهر و پس از آن آیین مزدیسنی است. با ورود اسلام به ایران و تبدیل آتشکده ها به مسجد این خصلت معماری ایرانی کل جهان اسلام تعمیم یافت. قداست قبه و بارگاه امام رضا (ع) باعث شد طبق سنت ایرانی بر آن گنبد و گلدسته بسازند و از قدی م ترین دوران آن را با طلا بپوشانند. در شعر معاصر فارسی، زائر حرم علی بن موسی الرضا (ع)، مأنوس با ندای اذان عشق از گلدسته های آن بارگاه ملکوتی است و آن را نشانه ی خورشید ولایت می داند که بر کلّ خلقت، پرتو افکنده است:

«گلدسته ات منادی صوت اذان عشق مأنوس با غروب و زوال و پگاه من»

(احمدی بیرجندی، نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۵۶)

«ایوان تو روی شانه ی خورشید است گلدسته ی تو نشانه ی خورشید است»

(عطایی خراسانی، ۱۳۷۸: ۳۵۰)

در شعر زیر، شاعر به پیوند دل رزمندگان با گلدسته و حرم مولا اشاره می کند. ارواح شهدا مانند پرندگان مهاجری هستند که از گلدسته ی مسجد جامع خرمشهر به پرواز درآمدند؛ درحالی که مسجد همچنان مقاوم و پابرجا مانده و چشم بازماندگان از خیل کبوتران مهاجر به گلدسته و جای خالی کبوتران، خیره مانده است:

«آن سوتر از فراز نگاهم / پرواز چند مرغ مهاجر / چشم مرا به دیدن گلدسته می برد / مسجد هنوز هم / برای استقامت خویش ایستاده است» (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۴۵)

شاعر، فضای معنوی جبهه و مناطق جنگی را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که حقیقت سلوک شهیدان و پیمودن راه حق توسط آن‌ها به خوبی نشان داده می‌شود. تصویری که گلدسته‌ها با عشق، رزمندگان عاشق را فرامی‌خواند:

«بر سر چتر اقاق‌ها بید مجنون سایه می‌افشاند

سایه‌ی گلدسته‌ها از دور عاشقان را پیش خود می‌خواند»

(همان: ۷۱۴)

گلدسته چنانچه اشاره شد نمادی از حرم، مذهب، قداست، نماز و پاکی است. در شعر دفاع مقدس علاوه بر این‌ها گلدسته‌های مسجد جامع خرمشهر نماد مقاومت دین و قداست دفاع ما در برابر دشمنان است. شاعر نشان می‌دهد با آن‌که گلدسته‌های این مسجد شکافته شده‌اند، باز صلابت مسجد تا جایی است که دوباره «بلالی» بر بلندای آن، منادی اذان عشق باشد:

«گلدسته‌های مسجد جامع شکافت / و مرگ منفجر / تیغ از نیام کهنه بر آهیخت» (همان: ۱۱۰۴)

«و بلالی پیدا خواهد شد / که گلدسته‌های خرمشهر را / به اذان بنشیند» (همان: ۹۱۵)

لباس و پرچم امام رضا (ع) به گواه منابع تاریخی سبز بود و آن حضرت رن‌گ سبز را به عنوان شعار و حربه‌ی مؤیّد خویش در برابر رنگ سیاه عباسیان و مامون به کار گرفت. شاعر، خرمشهر را سرزمینی می‌داند که از خون مردان سرکش در برابر تباهی و ستم، شقایق خیز شده؛ اما همچنان گلدسته‌های مسجدش استوار و عطر مناجات، آن‌جا را معطر کرده است. شاعر خطاب به امام سبزپوش عاشقان غزل می‌سراید:

«خاکت شقایق خیز / گلدسته‌هایت سبز و عطر آگین / مردان تو سرکش / ایران در آتش» (همان: ۱۱۶۹)

«مولای سبزپوش غزل‌های عاشقی ما چون شقایقیم و به عشقت دمیده‌ایم»

(جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۴۲)

۵-۵- گنبد:

گرچه گنبد به طور اعم خاصّ امام رضا (ع) نیست؛ ولی این نکته که زائر از هر طرف و قیّتی وارد مشهد می‌شود ناخواسته در پی مشاهده‌ی گنبد و عرض ادب از دور به حریم امام است، باعث شده شاعران از آن برای مضمون‌سازی شاعرانه بهره ببرند. به خصوص این که همه به یقین می‌دانند مقام صاحب بارگاه از عرش، بالاتر و روشنی‌همه‌ی جهان به واسطه‌ی نور گنبد اوست:

«سلام بر آن گنبد با صفا نشان علی بن موسی الرضا»

(یوسفی و عشقی، ۱۳۸۵: ۱۹)

«این بارگاه کیست که از عرش برترست؟ وز نور گنبدش همه عالم منورست»

(عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

در ابیات زیر شاهدیم که نقش های گنبد حرم رضوی، بانگ «یا هو» و شمس الشموس بودن امام رضا (ع) دستمایه تصویرسازی شاعرانه قرار گرفته به زعم شاعر، باد، کلام حق سر می دهد و ماه، آن را خانه ی خورشید می داند زیرا نور و فروغش را وامدار گنبد بارگاه مولا می داند:

« باد می وزد میان گنبدهای تو در نگاه تند چشمان تو یا هو می زند»

(حرّی، ۱۳۸۵: ۳۸)

«چشمش که به گنبد تو روشن شد ماه دریافت که خانه خانه ی خورشیدست»

(همان: ۳۹)

«مهر از فروغ گنبد پاکت گرفته وام شمس الشموس هستی و نامت گواه من»

(احمدی بیرجندی، نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۵۶)

درنگاه شاعر دفاع مقدّس نیز، رزمندگان در غربت و همه می خون و آتش دست در دست گنبد خورشید هفتم نهاده اند و با این پشتوانه، غمی از نشستن غبار غربت بر چهره ندارند:

«هر چند چون غبار غربی پیاده ام دستی به دست گنبد خورشید داده ام»

(جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹: ۶۳)

شاعر، رزمنده ای را که در تپه های طلائی حضور دارد، این گونه به تصویر می کشد: در برابر دستان مولا زانوی ادب می زند و از تپه ی طلا و کوچه های غربت جبهه، به او و گنبد طلایش سلام می دهد. او گندم محبت و توسل می پاشد و مولایش، کبوتر روح او را همراه با کبوتران چاهی حرم دور گنبد طلایش طواف می دهد:

«بنشین / باران، باران / گریه کنیم / قلّه ترین کوه / شرمنده است / از این تپه ی طلا / در برابر دستانت / زانو می زنم / از سنگفرش تا دروازه / از دروازه تا گره های بسته را / به شعری کشم / من / از کوچه سلامت می کنم / تو / سر سبزی ات را برایم تکان می دهی / سبزی تو / طلای من / سیاهی من / راز تو / با چاهی بودن کبوترانت را فهمی دم / من گندم می بلشم / تو کبوتر / کبوتران چاهی / که طوقی سبز بر گردن داشتند» (طاهریان، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۲)

۵-۶- مشهد:

هم‌نامی امام موسی کاظم پدر امام رضا(ع) با حضرت موسی بن عمران(ع) در ذهن شاعر تداعی کننده مقایسه این دو بزرگوارست. وی پور عمران را والد و شیدای انوار تابناک رضوی و مشهد‌الرضا می‌داند. مشهد به مثابه خورشیدی است که از خراسان، شرق ایران طلوع کرده و واسطه‌ی فیض اشراق و نور رحمت الهی است:

«مشهد فرزند موسی آن خداوند دل و دین والد از انوار ذاتش موسی عمران است این‌جا»

(احمدی بیرجندی، نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۰۲)

«مشهد از مشرق خور آمد، این فیض اشراق نور رحمت اوست»

(همان: ۲۵۷)

از نگاه شاعر دفاع مقدس، محلّ شهادت شهدا "مشهد" آنان و مطهر است و همان‌طور که مشهد رضوی را مقدس و خاک آن را تاج پادشاهی فلک و ثواب طواف حرم معلای امام را ثواب هفتاد حج نافلة می‌داند، سنگر رزمندگان را نیز مشهدی می‌داند که در آن، شهدا، حاجیانی هستند که لَبّیک گوی دعوت حق بودند:

«قصه‌ی مجنون و بیابان نکرد رو به ره "مشهد چمران" نکرد»

(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۶)

«مشهد پاک معلای امام معصوم آن که خاکش ز شرف، افسر کیوان آمد
یک طواف درش از قول رسول قرشی تا به هفتاد حج نافلة یکسان آمد»

(عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

«از گوشه‌ی مسجد به سوی جبهه بشتاب در مشهد سنگر بگو لَبّیک لَبّیک»

(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۸۳)

«بهبهانی» در شعر زیر، شهیدان را همپای امام غریب می‌داند که اولین سرایندگان کلام عشق هستند و اشک خاموشی که بر غربت امام در مشهدالرضا و مشهد شهیدان دور از وطن ریخته می‌شود، گویای درد و سوز زائران آنهاست:
«و آن که اوّل کلام عشق سرود / - گرچه اکنون نه برنا - هست / «طوس» و آن «مشهد» شریف امام / اشک خامش زبان گویا هست» (همان: ۲۰۵)

۵-۷- رضا:

خورشید هشتم، از بارگاه کبریایی ملقب به «رضا» شد. امام رضا(ع) هم حق از وی رضا و هم او به حق رضا بود. رضا در مقامات عرفانی همراه با تسلیم شمرده می شود و انسان زمانی به آن نائل می آید که کاملاً تسلیم امر حق باشد. این تعبیر دستمایه شاعران قرار گرفته در توصیف امام رضا(ع) گفته اند:

«ای که ملقب ز کبریا به "رضا"یی ثامن اشرف و ضامن غربایی»

(عطایی خراسانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴)

«باشد رضای تو به رضای خدا قرین تا حق رضا شود به نجاتم رضا بده»

(حسینی قمی، ۱۳۸۱: ۸۷)

«نعمت دنیا و عقبی بر سر کوی رضاست با رضای او توان نعمای او فر داشت»

(احمدی بیرجندی، نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۱۸۱)

شاعر در سخنی دیگر ضمن اشاره به رضایت تام و کامل امام ثامن نسبت به امر حق تعالی، معتقد است که کسی در دنیا هرگز مانند او را در مقام رضا به مشیت ازلی، به خود ندیده است:

«سلطان دین رضا که رضا در جهان ندید از او کسی مقام رضا بیش تر کند»

(حسینی قمی، ۱۳۸۱: ۸۶)

«از آن خدای رضاش لقب نمود که او مشیت ازلی را به حق رضاست رضا»

(عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

در دوران دفاع مقدس، رزمندگان و به خصوص شهدا متأسی از امام رضا (ع) بودند. زمزمه‌ی درونی و نوای روح آنان از «رضا» گرفته می شد. آنان به گونه‌ای شیفته امام رضا(ع) بودند که حتی چند روز مرخصی خود را که باید صرف استراحت یا رسیدگی به خانواده می کردند به زیارت مشهد می رفتند. آنها همان گونه که مولایشان یاور حق و دشمن بیداد بود، در عرصه‌ی جهاد، هم‌نوا با «رضا» اذان جهاد سر می دادند:

«ز بند بند دلم همچو نی نوا دارم نوای از نی بشکسته «رضا» دارم»

(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۳۴۹)

«رضا» که یاور حق بود و دشمن بیداد مؤذنی که اذان جهاد سر می داد»

(همان)

درنگاه شاعر دفاع مقدس، نه تنها رزمندگان اسلام، بلکه شهرهای مورد هجوم کشور نیز مورد عنایت امام رضا (ع) هستند. مشفق کاشانی، شهر هویزه را مظلوم ترین شهر در جنگ و نمونه ای از توحش صدامیان بعثی، پس از آذی با عنایت از سرچشمه فیض امام رضا (ع) دوباره آباد می‌داند:

«خونین جگر ای هویزه ای شهر شهید ای خفته به خون ز کین صدام یزید
در پهنه ی زیست تا جهان خواهد بود خورشید شهادت از تو خواهد تابید ...
... ای قبله ی عاشقان بنا خواهی شد در پرتو نور حق رها خواهی شد
آباد و عزیز همچو فردوس برین از چشمه ی فیض رضا (ع) خواهی شد»
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۶)

۵-۸- جواد:

امام جواد (ع) تنها یادگار امام رضا (ع) است و می‌دانیم لحظات آخر عمر امام رضا (ع) به امر الهی به طوس آمد و سر پدر را به زانو گرفت. گفتیم که بنیان شعر دفاع مقدس بر رشادت‌های رزمندگان اسلام قرار گرفته و هدف آن، انتقال فرهنگ رشادت، مقاومت و شهادت به نسل‌های بعد است. فرزندان رشیدی که با اقتدا به مولای خویش برای حفظ دین حق، ترک وطن و خانواده کردند. کم نبودند افرادی که همانند امام غریب خود، به هنگام شهادت با جگری صدپاره، چشم به راه آمدن فرزند و دیدن روی او بودند:

«جگر پاره به جا بود و جگر پاره نبود حجره در بسته ولی باز به در چشم ترش
دست مولا به دل و دست غلامش بر سر چشم او بر وی و او چشم به راه پسرش»
(انسانی، ۱۳۸۲: ۴۳۰)

«آخرین لحظه عمر است کجایی تو جواد کز پی آمدنت دیده به در دوخته‌ام»
(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۷۴۳)
«چشم در راه جوادم که در این دم نشود جز به دیدار جگرگوشه تسلی جگرم»
(همان: ۷۴۴)

و کم نبودند پدران و مادرانی که چشمان منتظرشان به جاده ی انتظار دوخته شده بود تا خبری از عزیز به سفر رفته به دست آورند؛ درحالی که بسیاری از این انتظارها به پایان نرسید و با شنیدن خبر شهادت فرزند، سنگ صبر را در ترازوی خون دل نهادند تا لایق «والله مع الصابرين» باشند:

«یعقوب‌وار دیده به در مانده بود پدر یعقوبی از در آمد و گفتا «رضا» گذشت»

(همان: ۷۷۹)

«تا پدر یک تبسم بین ما قسمت کند صبر را با خون دل سنگ ترازو می‌کند»

(شهابی پوراحمدی، ۱۳۸۵: ۷۴)

۵-۹- غربت:

یکی دیگر از جلوه‌های رضوی که در شعر دفاع مقدس نمود پیدا کرده، هجرت از وطن برای حفظ اسلام و غربت آن امام غریب است. مهاجرت اجباری از مدینه به خراسان و پس از آن شهادت در غربت طوس، خورشید ثامن را غربت مجسم تاریخ ساخته است. او که خود غریب‌الغرباست از درد غربت آشناست و طبیعی است که یاور و آشنای همه ی غریبان باشد:

«ای غربت مجسم تاریخ ای امام ای خاک پای مرقد تو بوسه گاه من»

(شاهرخی، کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۸۳)

«گرچه در شهر خراسان به غریبی زده‌ای کوس یاور جمله غریبان و غریب‌الغربایی»

(احمدی بیرجندی، نقوی زاده، ۱۳۶۵: ۲۲۸)

فرزندان رشید این سرزمین با اقتدا به مولای غریب خود از شهر و دیار خویش برای حفظ دین و میهن هجرت نمودند و در کنج غربت به شهادت رسیدند. مانند کبوتری به سوی آن غریب آشنا، پرواز کردند:

«هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند ...»

...اینک ای خوب، فصل غریبی سرآمد چون تمام غریبان تو را می‌شناسند»

(امین پور، ۱۳۶۳: ۸۶)

«آستان تو / سرسرای آشتی ست / در مقابل تو می‌توان خلاصه شد / سبز شد / شکوفه داد / رنج تو / ادامه‌ی جراحات دل من ست / ای بزرگوار / معنویت بهار / از نگاه تو ست / بی خاک تو / قحطی بنفشه ست / قحطی درخت / سبزه / رود / ای غریب آشنا / در کجای آسمان دیده‌ای / کاین چنین پرندگان به سوی تو / شوقناک / بال می‌زنند» (طاهریان، ۱۳۸۳: ۴۸ - ۴۹)

شاعر در شعر زیر، با همدلی با غربت رزمندگان در جبهه‌های نبرد از آنان می‌خواهد تا پرچم سبز گنبد مولا را راهنمای خود قرار دهند و در آن سرای صمیمی سنگر، نه تنها مأیوس از درگاه امام خویش نباشند، بلکه بدانند مقام آن‌ها در شفاعت از آهو بیش‌تر است:

«این پرچم سبز را به راهنمایی بخوان / که این جا نسیم / همیشه به سوی بهشت جاری ست / در این سرای صمیمی / اگر چه غریبی / مأیوس نباش! / که شفاعت را / هر که باشی / از آهو سزاوارتری» (پوراسماعیل، ۱۳۸۷: ۴۴)

۵-۱۰- توسل:

توسل و واسطه قرار دادن ائمه برای رسیدن به قرب الهی، در لحظه لحظه ی دفاع مقدس دیده می شود. عواطف و احساسات قلبی رزمندگان که آمیخته با سرشت پاک و برآمده از مکتب اعتقادی محکم ایشان است، خواهان رسیدن به سرچشمه ی معرفت است. زائر حرم امام رضا (ع) با توسل بر او که سرور مردمان در هردو سراست، نسبت به غیر ناامید و تنها به الطاف بی پایان امامش امیدوار است و به این بنده نوازی مولایش، افتخار می کند:

«متوسل به تو باشیم و نداریم امیدی مددی ای که تو در هر دو جهان سرور مایی»

(عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱: ۱۳۷)

و نگاه «اخوان ثالث» در توسل به امام ثامن، این گونه است:

«چون پدرت این خسته دل زندانی دردی روان کش را / یا علی موسی الرضا دریاب / درمان بخش»

(شاهرخی، کاشانی، ۱۳۸۳: ۶۰)

رزمندگان، خود را پرنده ای می دانند که از تیر زهر آگین ستم دشمن خسته خلیده و به مولای خویش پناه می برند و از او می خواهند که زخمشان را التیام بخشد و نیرویی به آنها بدهد تا بتوانند از تیر حوادث و خطرات بگذرند و سربلند از میدان رزم بیرون آیند:

«من آن پرنده ی مهاجرم / که هزار سال است پریده است / اما هنوز / سواد گنبدت / پیدا نیست / آوخ که بال کبوتران حرمت / از چه تیر های زهر آگین خسته است / شکسته است / ای عرش / ای خون هشتم / نیرویی دگر در پرم نه « (طاهریان، ۱۳۸۳: ۵۳)

«ای مسافر غریب در دیار خویشتن با تو آشنا شدم در همین مسیر! ...»

... دست خسته ی مرا مثل کودکی بگیر با خودت مرا ببر خسته ام از این کویر»

(امین پور، ۱۳۸۶: ۸۶)

شاعر در ابیات مذکور، رزمندگان اسلام را متوسل به امام غریب می داند که در طی کردن طریق حقیقت با او آشنا شدند و او را راهبر خود قرار داده اند. آنها از وی می خواهند که آنان را از کویر زخم و درد ستمکاران، بیرون ببرد و نجات دهنده ی ایشان باشد تا به مأمن آرامش برسند. شب های عملیات که هریک از رزمندگان، کنج خلوتی برمی گزینند تا آینه ی دل را صافی بخشند و از آن جا که خود را بازمانده از قافله ی شهدا می بینند، مولایشان را شفیع قرار می دهند تا

واسطه‌ی آنان در درگاه حق تعالی شود و فاصله‌ی هزار فرسنگی بین آن‌ها و حضرت دوست را بردارد و با عنایتش، ایشان را به کاروان نور برساند؛ چون دلیل جداماندن خود را از این کاروان، غماز نبودن آیینی دل خویش می‌داند:

«دلم گرفته از این روزها دلم تنگ ست / میان ما و رسیدن هزار فرسنگ ست / مرا گشایش چندین دریچه کافی نیست / هزار عرصه برای پریدن تنگ است... / مرا به زاویه‌ی باغ عشق مهمان کن / در این هزاره فقط عشق پاک و بی رنگ ست» (عزیزان، ۱۳۸۹: ۳۷)

«دیروز عصر بود / یک کاروان نور / می‌رفت سمت سبز... / یک چشم مهربان / با دستی از خضوع / یک برگ یادداشت به من داد / در آن نوشته بود / آینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟» (همان)

این ابیات نیز نشان‌دهنده‌ی توسل رزمندگان در شب‌های عملیات است که هریک با توسل شدن به مولای خویش، از او می‌خواهند که آنان را یاری دهد تا برخیل دشمن بتازند و با شهادت، به سوی او پر بزنند:

«ای سَید از تبار سپیدارهای سبز ای چلچراغ عاطفه جان عزیزها
ما را اشارتی که به سیل شرر بزنیم با سر دویده تا گل خورشید پر بزنیم»

(انصاری نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲)

نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که ذکر شد پیوند عمیق بین شعر و مذهب در ایران وجود داشته و با گذر زمان، بر سر این شور و ارادت افزوده شده است. در ادبیات فارسی جلوه‌های موزون و گونه‌گونی وجود دارد که الهام‌بخش آن قرآن کریم، احادیث نبوی، روایات خاندان وحی و مفاهیم و مضامین دینی است. دفاع مقدس در بطن خود هویتی الهی - آرمانی دارد و به نوعی هم حافظ و هم آموزاننده‌ی جهان‌بینی الهی است. مریلن این جهان‌بینی رزمندگان این سرزمین بودند که فطرت پاک انسانی را برای حفظ گوهر انسانیت، بیدار کردند. در میدان ایثار، صاحبان قلم هم حضور داشتند و این تفکر و بینش را که با مفاهیم ایثار، شجاعت، شهادت‌طلبی، خداخواهی، اقتدا به ائمه‌ی اطهار را به خوبی تصویر کردند. یکی از جلوات بارز شعر دفاع مقدس، آموزه‌هایی است که از سیره‌ی اهل بیت در فرهنگ ایران به یادگار مانده است. سیره‌ی حسنه‌ی امام رضا(ع) و فرهنگ رضوی بازتاب گسترده‌ای در شعر و ادب فارسی به ویژه ادبیات دفاع مقدس دارد. به عنوان ملّی می‌توان این موارد را ذکر کرد:

حدیث سلسله‌الذّهب منقول از امام رضا(ع) مانند موجی بود که نیشابوریان را در خود غرق کرد. امام(ع) کلمه‌ی «لا اله الا الله» را دژ محکمی دانست که هر کس واردش شود، از عذاب الهی ایمن است و پذیرش ولایت خود را یکی از شروط داخل شدن به این حصن دانست. همین روایت منشأ بسیاری از اشعار ولایت مدار دفاع مقدس شده است. نکته دیگر، لقب ضامن آهو برای خورشید طوس است. امامی که ضامن آهو و وحش بیابان شد و باعث آزادی او گردید، برای

زائرش نیز شفیع و پناه می‌شود. زائر حرم رضوی دلش را به ضریح امام گره می‌زند و کبوترصفت گرد حرمش طواف می‌کند؛ شاعر دفاع مقدّس، با مشاهده امنیتی که کبوتران حرم امام رضا (ع) در ایوان طلا و بام سقّاخانه دارند، آن را دستمایه‌ی ساخت مضامین شعری قرار داده رزمندگان حاضر در جبهه را کبوتران حرم می‌داند که عروج گاه آنان جبهه بود. قداست قبه و بارگاه امام رضا (ع) باعث شد طبق سنت ایرانی بر آن گنبد و گلدسته بسازند و از قدیم‌ترین دوران آن را با طلا بپوشانند. در شعر معاصر فارسی، زائر حرم علی‌بن موسی الرضا (ع)، مأنوس با ندای اذان عشق از گلدسته‌های آن بارگاه ملکوتی است و آن را نشانه‌ی خورشید ولایت می‌داند؛ زیرا از هر طرف وقتی وارد مشهد می‌شود ناخواسته در پی مشاهده‌ی گنبد و عرض ادب از دور به حریم امام است باعث شده شاعران از آن برای مضمون‌سازی شاعرانه بهره ببرند. در شعر دفاع مقدّس هر گنبد و گلدسته‌ای ولو مسجد جامع خرمشهر، تداعی‌کننده‌ی حرم رضوی است. لباس و پرچم امام رضا (ع) به گواه منابع تاریخی سبز بود و آن حضرت رنگ سبز را به عنوان شعار و حربه‌ی مؤثر خویش در برا بر رنگ سیاه عباسیان و مأمون به کار گرفت. در شعر دفاع مقدّس رنگ سبز، سلطان خراسان (ع) را به یاد می‌آورد؛ چون به مثابه‌ی خورشیدی است که از خراسان، شرق ایران طلوع کرده و واسطه‌ی فیض اشراق و نور رحمت الهی است. اصطلاح "رضا" در مقامات عرفانی همراه با تسلیم شمرده می‌شود و امام رضا (ع)، هم حق از وی رضا و هم او به حق رضا بود. شاعر دفاع مقدّس با بهره‌گیری از این اصطلاح عرفانی و هم‌نامی برخی شهبی‌دان با امام رضا (ع) به ساخت تصاویر شعری پرداخته است. امام جواد (ع) تنها یادگار امام رضا (ع) است و می‌دانیم لحظات آخر عمر امام رضا (ع) به امر الهی به طوس آمد و سر پدر را به زانو گرفت. در ایام دفاع مقدّس کم نبودند افرادی که همانند امام غریب خود، به هنگام شهادت با جگری صدپاره، چشم به راه آمدن فرزند و دیدن روی او بودند. یکی دیگر از جلوه‌های رضوی که در شعر دفاع مقدّس نمود پیدا کرده، هجرت از وطن برای حفظ اسلام و غربت آن امام غریب است. او که خود غریب‌الغرب است به درد غربت آشناست و طبیعی است که یاور و آشنای همه‌ی غریبان باشد.

منابع:

- ۱- آینه‌وند، صادق، **ادبیات انقلاب در شیعه ج ۱**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مرداد، چاپ اول، ۱۳۵۹.
- ۲- احمدی بیرجندی، احمد، نقوی زاده، سیدعلی، **مدایح رضوی در شعر فارسی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تیر، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۳- امیری خراسانی، احمد و قدرت آخشن، «**اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدّس**»، نشریه‌ی ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده شهید باهنر کرمان، پاییز و زمستان، سال ۴، ش ۷، ۱۳۹۱، ص ۲۹-۵۸.
- ۴- امین‌پور، قیصر، **تنفس صبح**، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، بهمن، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۵- _____، _____، **آینه‌های ناگهان**، تهران: افق، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶.

- ۶- امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، ج ۲، قم: مرکز الغدیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه. ق.
- ۷- _____، _____، ج ۳، ترجمه: واحدی، محمدتقی، غدیر.
- ۸- انسانی، علی، **دل سنگ آب شد**، تهران: جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۹- انصاری نژاد، محمدحسین، **روی شانه‌ی ارونند**، تهران: صریر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۰- بیگی حبیب آبادی، پرویز، **حماسه‌های همیشه (دفاع مقدس در شعر شاعران)**، ج ۱ - ۳، تهران: فرهنگ گستر و صریر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۱- پوراسماعیل، محمد، «**بر موج آهو**» (گذاری در «آسمان زیر ابرها» مجموعه شعر رضوی حمیدرضا **شکارسری**)، ادبیات و زبان‌ها، شعر، آذر، ش ۶۳، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۴۵.
- ۱۲- ترنج، تیمور «**نگاهی اجمالی به شعر انقلاب اسلامی**» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پاییز، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۸۵-۸۹.
- ۱۳- جلیلیان مصلحی، مصطفی، **در آستان شوق**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۱۴- حرّی، مژگان، «**جلوه‌های راز و نیاز و توسل در شعر رضوی**»، مجموعه مقالات برگزیده همایش پژوهش جلوه‌های رضوی در ادبیات فارسی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان، آذر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۵- حسینی قمی، سیدعلی، **کرامات و مقامات عرفانی امام رضا (ع)**، نبوغ، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۶- خاتمی، احمد، «**تأملی در مفهوم ادبیات انقلاب**»، کتاب ماه ادبیات، بهمن، ش ۱۳۶، ۱۳۸۷، ص ۱۱-۱۶.
- ۱۷- شاهرخی، محمود، مشفق کاشانی، عباس، **قبله هفتم**، تهران: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۱۸- شهابی پوراحمدی، ثریا، «**بررسی آیین جوانمردی در ادبیات دفاع مقدس**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی: محمدرضا یوسفی، دانشگاه قم، زمستان، ۱۳۸۵.
- ۱۹- صائب تبریزی، **دیوان غزلیات صائب تبریزی**، تصحیح: محمد قهرمان، ج ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۲۰- صفّارزاده، طاهره، **دیدار صبح**، شیراز: نوید، تابستان، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۲۱- طاهریان، امیرمسعود، **سپیده‌ی هشتم**، مشهد: آستان قدس رضوی (به نشر)، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۲۲- عزیزیان، محمدتقی، «**گل پایان قشنگی دارد: بررسی شعر انقلاب و دفاع مقدس در آثار سلمان هراتی**»، کتاب ماه ادبیات، بهمن، ش ۱۶۰، ۱۳۸۹، ص ۳۴-۳۸.

- ۲۳- عطایی خراسانی، علی اصغر، زندگانی امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه السلام، مشهد: شهداء الفضیله، زمستان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۴- عظیم زاده، امیرعلی، «نگاهی به تاریخچه ی شعر مقاومت و بررسی آن در دوره ی دفاع مقدس»، مصباح، آذر و دی، ش ۷۲، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵-۱۸۸.
- ۲۵- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، چهارده نورپاک، ج ۱۰، مشهد: نوید اسلام، تابستان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۶- قبادی، حسینعلی، سنگری، محمدرضا، راکعی، فاطمه «ادبیات انقلاب اسلامی: بررسی شعر انقلاب اسلامی و یادکرد دکتر قیصر امین پور» کتاب ماه ادبیات، اردیبهشت، ش ۱۳، ۱۳۸۷، ص ۱۵-۲۳.
- ۲۷- قدس میرحیدری، حاج سیدجعفر، اختران همیشه جاوید (زندگانی چهارده معصوم علیه السلام)، ج ۱، انتشارات تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۸- کاظمی، محمدابراهیم، «شعررضوی در کلام شاعران پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر شاعران برجسته این دوره)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی: علیرضا نبی لو، دانشگاه قم، شهریور، ۱۳۹۲.
- ۲۹- کافی، غلامرضا، «همگرایی معنایی میان شعر و داستان دفاع مقدس»، نشریه ی ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده شهید باهنر کرمان، پاییز و زمستان، سال ۴، ش ۷، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷-۲۰۴.
- ۳۰- مجاهدی، محمدعلی، سیری در ملکوت، تهران: اسوه، پاییز، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۳۱- مدرّسی، محمدتقی، امامان شیعه و جنبش های مکتبی، ترجمه: آژیر، حمیدرضا، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اردیبهشت، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۳۲- مشفق کاشانی، (کی منش، عباس)، سرودسرخ بهار، تهران: حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۳۳- میرجعفری، سید اکبر، حسینی، سیدحسن و دیگران، «شعرانقلاب از مبارزه تا پیروزی»، رشد معلّم، بهمن، ش ۲۴۶، ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۵.
- ۳۴- یوسفی، محمدرضا و طلیعه عشقی، «زینب شاه خراسان»، مجموعه مقالات برگزیده همایش پژوهش جلوه های رضوی در ادبیات فارسی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان، آذر، چاپ اول، ۱۳۸۵.